روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۵۲۹
۷ مهر ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

بررسی ۸ پرونده اعضای هیئت علمی و یک پرونده دانشجویی

اولین جلسه هیات عالی تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ریاست حسین سیمایی برگزار شد.

به نقل از وزارت علوم، اولین جلسه هیات عالی تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ریاست حسین سیمایی در تاریخ ۳ مهر ۱۴۰۳ با حضور کلیه اعضا برگزار شد.

در این جلسه پس از تبادل نظر در خصوص مسائل ناظر به هیئت عالی تجدیدنظر، ۸ پرونده در موضوعات جذب، امور آموزشی و پژوهشی اعضای هیئت علمی و یک پرونده دانشجویی مورد بررسی قرار گرفته و تصمیمات لازم اتخاذ شد.

فتوای امام‌خامنه‌ای برای آزادی قدس

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. مطالب خوبی را برادران و خواهران مطرح کردند که بعضی مربوط میشود به همین مجموعه‌ی مربوط به خاطرات جنگ و مسائل دفاع مقدّس که آن حضرات دنبال کنند؛ بعضی هم مربوط به دستگاه‌های دولتی است و برادران دفتر ما هم دنبال کنند که این چیزهایی که گفته شد، مورد بررسی قرار بگیرد و آنچه عملی و مفید است ان‌شاءالله تحقّق پیدا کند.

اینکه بالخصوص پیش‌کسوتان در هفته‌ی دفاع مقدّس مورد توجّه قرار میگیرند، به خاطر ارزش پیش‌کسوتی و پیشگامی در حوادث مهم است: سابِقوا اِلی مَغفِرَةٍ مِن رَبِّکُم؛(۲) سبقت گرفتن و گام نهادن در راه‌های نرفته یک ارزش است. البتّه هفته‌ی دفاع مقدّس متعلّق به همه‌ی رزمندگان و مجاهدان و شهدا و خانواده‌های آنها و مانند اینها است، لکن پیش‌کسوتان و کسانی که زودتر و سریع‌تر و جدّی‌تر وارد میدان شدند، یک ارزش مضاعفی دارند. پیش‌کسوت چه فرمانده باشد، چه رزمنده‌ی عادّی باشد، چه پزشک باشد، چه امدادگر باشد، چه جهادگر باشد، چه پشتیبانی‌کننده باشد، همه‌ی اینها مشمول این تمجید و احترام ویژه هستند؛ انواع و اقسام این پیش‌کسوت‌ها را ما در دوران اوّل دفاع مقدّس دیده‌ایم و نقش‌آفرینی آنها را هم مشاهده کرده‌ایم.

مطلبی که خوب است امروز ما برای موضوع دفاع مقدّس برای مخاطب مطرح کنیم، عمدتاً دو مسئله است؛ البتّه یک مسئله‌ی سوّمی هم هست که من نمیرسم امروز درباره‌ی آن صحبت کنم. یکی از آن دو موضوع اساسی «چرایی» جنگ هشت‌ساله است. نسل جوان ما که دوران جنگ را و دوران انقلاب را درک نکرده‌اند، بدانند که اصلاً چرا جمهوری اسلامی وارد یک نبردی شد که هشت سال طول کشید؛ هشت سال زمان کوتاهی نیست [که در آن] همه‌ی ارکان کشور و امکانات کشور در خدمت دفاع از کشور قرار میگیرد. علّت ورود ما در جنگ چه بود؟ این را بدانیم. من امروز چند کلمه درباره‌ی این صحبت میکنم .

موضوع دوّمی که باید مورد توجّه قرار بگیرد برای مخاطبِ امروز، گزارش‌گونه‌ای از جنگ است؛ گزارش جنگ. من امروز درباره‌ی گزارش هم چند کلمه‌ای عرض میکنم. البتّه در حالی که ما داریم صحبت میکنیم، شما عزیزانی که در این جلسه تشریف دارید و جمعیّت انبوه زیادی که از راه دور دارند می‌شنوند این حرفها را، مخاطب سخنان فعلاً شما هستید، لکن مخاطب این سخنان فقط هم شما نیستید، [بلکه] نسل جوان، نسل جوان آینده، فرزندان شما، همه درباره‌ی این موضوعات بایستی فکر کنند، کار کنند، درس بگیرند. این دو موضوعی است که من درباره‌اش چند کلمه‌ای عرض خواهم کرد. یک موضوع سوّم مهمّی هم وجود دارد که من امروز نمیرسم درباره‌ی آن صحبت کنم و آن، عواید و نتایجی است که بر این دفاع مقدّس مترتّب شد. خوشبختانه این حضراتی که اینجا صحبت کردند، بعضی‌هایشان یک اشاره‌ای به این موضوع کردند. امّا مسئله‌ی چرایی: «چرا این جنگ آغاز شد؟». من عرض میکنم انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای ایران انقلابی مخصوص صدّام و حزب بعث نبود. شاید بتوان گفت که انگیزه‌ی سردمداران نظم جهانیِ آن روز از صدّام برای حمله‌ی به مرزهای ایران بسیار بیشتر، و حدّاقل به اندازه‌ی او بود. یعنی آن روز دو قدرت بزرگ در دنیا بودند و هر کدام دنباله‌هایی داشتند؛ آن دو قدرت، آمریکا بود و شوروی سابق؛ دنباله‌ی هر کدام هم یک مجموعه‌هایی ــ دولتهایی، نظامهای سیاسی‌ای ــ بودند؛ تقریباً همه‌ی اینها در این قضیّه انگیزه داشتند. جمهوری اسلامی، ایران اسلامی برای اینها یک عنصر غیر قابل تحمّل بود؛ چرا؟ سؤال این است: چرا ایران اسلامی غیر قابل تحمّل بود؟ ما که آن روز علیه کسی اقدامی نکرده بودیم. حالا امروز به ما میگویند شما به فلان جا موشک دادید، به فلان جا پهپاد دادید، [امّا] آن روز که این حرفها نبود؛ [پس] علّت دشمنی چه بود؟ این، آن نکته‌ی اصلی است. علّت این بود که در این نقطه‌ی حسّاس دنیا یک انقلاب مردمی بی‌نظیر به وجود آمده بود و تفکّر نوینی را برای اداره‌ی جهان ارائه کرده بود؛ نظم حاکم آن روز بر جهان، این تفکّر نوین را نمیتوانست تحمّل کند؛ مسئله این بود. آن روز جهان، جهان سلطه بود؛ البتّه امروز هم هست لکن آن روز سخنی، فریادی، موضع صریحی در مقابل این نظم باطل و نابودکننده‌ی فضیلت‌ها وجود نداشت؛ نظم جهان، نظم سلطه بود.

«نظام سلطه» یعنی چه؟ یعنی دنیا به دو بخش تقسیم میشود: بعضی کشورها سلطه‌گرند، بعضی کشورها سلطه‌پذیرند؛ شقّ سوّمی ندارد. جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی یک فریاد صریح علیه این نظم بود: «یعنی چه؟ چرا باید سلطه‌گری وجود داشته باشد؟ چرا باید فلان کشور، صرفاً به این دلیل که مثلاً دارای فلان تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی است، حق داشته باشد نظر خود را، فرهنگ خود را، خواسته‌ی خود را بر مجموعه‌ای از کشورها تحمیل کند؟ چرا؟». جمهوری اسلامی سخن جدیدی در قبال این نظم باطل بود و زورگویان عالم، سلطه‌گران عالم، این را تحمّل نمیکردند؛ میدانستند که این حرف، این فکر، خاصیّتش توسعه یافتن در دنیا است ــ درست فهمیده بودند ــ و توسعه یافت؛ این فکر در دنیا توسعه یافت و ملّتها را جذب کرد که بعد، من یک کلمه درباره‌ی جاذبه‌های این حرکت هم عرض خواهم کرد.

همه‌ی اینها ــ چه آمریکا، چه شوروی، چه کشورهای ناتو که دنباله‌رو آمریکا بودند، چه کشورهای پیمان ورشو که دنباله‌رو شوروی بودند ــ منتظر یک فرصت بودند، صدّام آن فرصت را برای اینها فراهم کرد؛ آدم جاه‌طلب، قدرت‌طلب، طمّاع، پُررو، وقیح، ظالم، بی‌ملاحظه، دم دست ایران، پشت مرزهای ایران؛ این را تحریک کردند و به کشورمان حمله کرد. امروز بعضی‌ها از داخلِ خودمان جمهوری اسلامی را ملامت میکنند که «جمهوری اسلامی با دنیا بد است، با دنیا قهر است»؛ این خلاف واقع است؛ چنین چیزی نیست. اگر منظور این است که ما با دنیا کار سیاسی، کار اقتصادی، تعامل یا رفت‌وآمد نداریم، خب واضح است که این خلاف واقع است؛ ما امروز با مجموعه‌هایی کار میکنیم، رفت‌وآمد داریم، تعامل داریم، تجارت داریم که بیش از نیمی از مردم دنیا، در این مجموعه‌ها و در این کشورها زندگی میکنند. این هوچی‌بازی‌هایی که گاهی از بعضی‌ها مشاهده میشود که «با همه قهریم، با همه بدیم»، نه، با همه قهر نیستیم، بد نیستیم؛ اگر مراد این است، درست نیست. اگر مقصود این است که ما با نظم سیاسی نظام سلطه مخالفیم، بله، این درست است.

امروز هم مثل همان اوّل انقلاب، ما با نظام سلطه مخالفیم، با تسلّط آمریکا مخالفیم. امروز دیگر شوروی وجود ندارد، امّا آمریکا در رأس کشورهای غربی و یکّه‌تازند؛ می‌بینیم نتایج کارهایشان را: جنگهایی که راه می‌افتد، ظلمهایی که میشود، تبعیض‌هایی که صورت میگیرد، ملّتهایی که زیر فشار قرار میگیرند؛ ما با اینها مخالفیم، صریحاً هم مخالفت خودمان را ابراز میکنیم. این وضعیّتی است که آن روز وجود داشت، امروز هم وجود دارد؛ [امّا] آن روز انگیزه‌ی حمله‌ی به مرزهای ایران شد، و امروز به برکت ایستادگی ملّت ایران، به برکت حضور قدرتمندانه‌ی ملّت ایران در صحنه‌های مختلف، آن جرئت را دیگر ندارند که به مرزها حمله کنند، و جور دیگری مشغول موذیگری و مشغول دشمنی کردن و عناداند.

البتّه اینکه من گفتم کسی در مقابل آن نظم ایستادگی نمیکرد، قبل از جمهوری اسلامی سالهایی بود که جنبش عدم تعهّد بود، ما هم اوّلِ انقلاب وارد این جنبش شدیم، تا الان هم این جنبش هست؛ منتها همان کشورهایی که در جنبش عدم تعهّد عضو بودند ــ حدود صد و خرده‌ای کشور ــ سران بسیاری از آنها زیر نفوذ همین ابرقدرت‌ها بودند! بعضی زیر نفوذ آمریکا، بعضی زیر نفوذ شوروی؛ بعضی زیر نفوذ بودند، بعضی از ترسشان اطاعت میکردند؛ از وحشیگری این قدرتهای بزرگ میترسیدند. در یکی از اجلاسهای عدم تعهّد، بعد که بنده آنجا سخنرانی کرده بودم، رئیس‌جمهور یک منطقه‌ای در دنیا به من گفت همه از آمریکا میترسند، جز شما؛ بعد، سرش را آورد نزدیک و گفت من هم میترسم از آمریکا! میترسیدند؛ بنابراین آن صدایی که با صراحت در قبال نظم غلط جهانی بلند شد، صدای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود؛ مرکزش هم ایران اسلامی بود که با آن مخالف بودند؛ آن روز هم مخالف بودند، امروز هم مخالفند؛ مسئله این است؛ این را ما باید از بن دندان درک کنیم؛ بعضی این را درک نمیکنند. مسئله، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و حقوق بشر و حقوق زن و این حرفها نیست؛ اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی آوردن سخنی نو در قبال نظم باطلِ فاسدِ تبعیض‌آمیزِ جهانی است که امروز بر دنیا حاکم است؛ مسئله این است؛ با این دعوا دارند، با این مخالفند. و این مخالفت برطرف نمیشود تا وقتی که جمهوری اسلامی و ملّت ایران حرف زور آنها را قبول کنند، که قبول هم نخواهند کرد.

گفتم «جاذبه‌های جمهوری اسلامی»؛ این تأثیر زیادی داشت؛ یعنی اینها را به وحشت می‌انداخت. دو جور جاذبه در جمهوری اسلامی بود و هست و باید این دو جور جاذبه حفظ بشود؛ [چون] ملّتها را به خودش جذب میکند: یک جاذبه‌ی سیاسی، یک جاذبه‌ی معنوی. جاذبه‌ی سیاسی عبارت بود از همین ایستادگی در مقابل نظم غلط جهانی؛ این جاذبه‌ی سیاسی دارد. ملّتها برعکس قدرتها، برعکس دولتها، دلشان به این جاذبه‌ی سیاسی گرایش دارد؛ اینکه احساس میکنند در دنیا یک نظامی وجود دارد که با این نظم غلط جهانی، با این زورگویی‌ها و دخالتهای قدرتها مخالف است، دل اینها را جذب میکند. شما می‌بینید، رؤسای جمهور ما به هر کشوری از کشورهای اسلامی که مسافرت کردند، ملّتها از اینها استقبال کردند، به اینها توجّه نشان دادند، اظهار ارادت کردند؛ [این] به خاطر همین است. در این زمینه حرف زیاد است. این جاذبه‌ی سیاسی.

جاذبه‌ی معنوی هم همین توجّه به ایمان الهی، ایمان دینی در نظام اسلامی است؛ این جاذبه دارد، این خیلی جاذبه دارد. در این دنیای مادّی، جوانها در همین کشورهای به‌اصطلاح پیشرفته و متمدّن، احساس پوچی میکنند. این را امروز دانشمندان و متفکّران خود آنها هم دارند بیان میکنند؛ احساس پوچی میکنند، احساس بی‌فایدگی میکنند، روزبه‌روز خودکشی‌ها زیادتر میشود. ایمان دینی به آنها احساس پناه میدهد، دل آنها را گرم میکند؛ خاصیّت احساس دینی این است. این هم در جمهوری اسلامی یک جاذبه است.

بنابراین علّت پدید آمدن این حمله‌ی نظامی، تهاجم نظامی به کشور ما، به مرزهای ما که به دفاع مقدّس هشت‌ساله انجامید، اینها است؛ مخالف بودند. جاذبه‌های جمهوری اسلامی اینها را میترساند، سخن نو جمهوری اسلامی اینها را برمی‌آشفت، این بود که این حمله را انجام دادند؛ هشت سال کشور را مشغول کردند. این، آن مطلب اوّل. البتّه این [مطلب] جای حرف، زیاد دارد؛ جا دارد کسانی که اهل فکرند، اهل قلمند، در این زمینه بگویند، بنویسند، کار کنند، تبیین کنند.

و امّا مطلب دوّم: گزارش حادثه‌ی جنگ. دو گزارش وجود دارد؛ دو جور گزارش از جنگ میشود داد: یک گزارش، که بنده از آن تعبیر میکنم به توصیف، «گزارش توصیفی»، یک جور گزارش است که گزارشِ شکلیِ جنگ است: جنگ چه جوری آغاز شد، چه جوری ادامه پیدا کرد، به کجا منتهی شد، وضعیّت دو طرف چگونه بود؛ این یک جور گزارش است؛ گزارش توصیفی. یک جور گزارش دیگری هست که آن به نظر من مهم‌تر است: گزارش تبیینی است؛ باطن جنگ را، باطن جبهه را، روح جبهه را برای ما روشن میکند و بیان میکند. جوانِ امروز احتیاج به اطّلاع در هر دو زمینه دارد که باید کار بشود. من همین‌طور اشاره میکنم و فقط سرفصل‌ها را میگویم؛ باید روی اینها کار بشود، تلاش بشود؛ البتّه بحمدالله کارهای خوبی هم شده، باید ادامه پیدا کند.

امّا قضیّه‌ی گزارش توصیفی جنگ این است: یک ارتش مهاجمی وجود داشت که به مرزهای ما هجوم آورد؛ یک طرف، طرف مهاجم بود با تجهیزات کامل، و برنامه‌ی از پیش فراهم‌شده. آن که میخواهد حمله کند به مرزهای ما، از پیش می‌نشیند برنامه‌ریزی میکند دیگر؛ برخلاف ما که مورد حمله قرار میگیریم، غافلگیر میشویم؛ هیچ برنامه‌ای نداریم؛ آن هم اوّل انقلاب. او با برنامه وارد میدان میشود؛ تجهیزاتش کامل است، سازمان‌دهی‌اش منظّم است، برنامه‌اش از پیش آماده‌شده است، پشتیبانی‌هایش به طور مستمر وجود دارد، سازمان مهندسی قوی دارد، ارتباطات مستحکمی دارد، سلاحهای روز دارد؛ آن روز بهترین تانک‌ها، بهترین هواپیماها را همین ارتش صدّام در اختیار داشتند. پول بی‌حساب، پول بی‌حساب! رقمهای میلیاردی در اختیارشان بود؛ همین‌هایی که میدانید و می‌شناسید، میدانند. آمریکا، شوروی، اروپا همراهی کامل میکردند، پشتیبانی میکردند، هر چه لازم داشت میدادند؛ سلاحهایی که فرسوده میشد عوض میکردند. دولت فرانسه بهترین هواپیماهای خودش را، جنگنده‌های خودش را در اختیار صدّام گذاشت. دولت آلمان موادّ شیمیایی مورد نیاز صدّام را در اختیارش گذاشت. دولت آمریکا به طور مستمر اطّلاع‌رسانی‌های میدان جنگ را در اختیارش میگذاشت. دولتهای همسایه هم که پول و امکانات در اختیارش میگذاشتند. این حاشیه‌ی خلیج فارس یک مسیری بود که به طور دائم کامیونها و تریلی‌های حامل سلاح و تجهیزات و امکانات میرفتند عراق. یک طرف این‌جوری بود؛ طرف مهاجم وضعش این‌جوری بود. من در یک گزارشی خواندم که تعداد هواپیماهای جنگنده‌ی صدّام بعد از جنگ بیشتر بود از تعداد هواپیماهایش در اوّل جنگ! با اینکه این‌همه هواپیمای او ساقط شده بود امّا تعداد هواپیمایش بعد از جنگ بیشتر بود؛ یعنی همین‌طور مرتّب و پشت سر هم به او کمک شده بود و داده بودند. این، طرف مهاجم.

طرف مورد تهاجم، یعنی ما، درست نقطه‌ی مقابل؛ تجهیزاتمان ناقص، دستمان خالی، تجهیزاتمان بی‌جایگزین. اوّل جنگ تعدادی از تانکهای لشکر ۹۲ را که مقابل دشمن بود، آمدند غارت کردند بردند تصرّف کردند، هیچ چیز جایش نیامد. بنده رفتم اهواز، یک تیپّ لشکر ۹۲ حدود پانزده شانزده تانک داشت، [در حالی که از لحاظ] سازمانی باید بیش از پنجاه تانک داشته باشد! این‌جوری بود، چیزی جایگزین نمیشد؛ هر چه از دست میدادیم رفته بود، تمام شده بود! سازمانهای رزمی‌مان دست‌خورده بود. سازمان ارتش از زیر بار جنگ آمده بود بیرون؛ خیلی از فرماندهان عالی ارتش تسلّط به داشته‌های ارتش نداشتند. مرحوم شهید فلاّحی، مرحوم ظهیرنژاد ــ که اینها رؤسای ارتش بودند ــ از خیلی از چیزهایی که در ارتش بود اطّلاع نداشتند؛ علّتش هم این بود که اینها قبل از انقلاب منطقه‌ی مدیریّتشان یک منطقه‌ی خیلی محدودی بود؛ حالا شده بودند در رأس این ارتش. سپاه هنوز سازماندهی درستی نگرفته بود. اوّل جنگ سپاه سازمان تیپّی نداشت؛ گردانهای دویست سیصد نفره تشکیل میشد با یک شکل محدودی، با امکانات محدودی. اینها گاهی اوقات حتّی سلاح انفرادی هم نداشتند؛ دیده بودیم ما یک جاهایی که سلاح انفرادی هم به قدر کافی نداشتند! این طرفِ مورد تهاجم این‌جوری بود. خب، نتیجه باید چه میشد؟ طبق موازین عادّی و قواعد عادّیِ مادّی باید نتیجه این میشد که آن طرف مقابل، همان‌طور که پیش‌بینی کرده بود، ظرف یک هفته، حدّاکثر چند هفته، از خوزستان عبور میکرد و وارد قلب کشور میشد و می‌آمد طرف تهران؛ [امّا] این‌جوری نشد. همین نیروی کم‌توان، از بعد از حدود یک سال از شروع جنگ، فتوحات و درخشش‌های خودش را نشان داد؛ پی‌درپی ضربات مهلک بر آن ارتش مجهّز و پولدار و برخوردار از همه‌ی پشتیبانی‌ها وارد کرد؛ آخرش هم بعد از هشت سال، آن ارتش را با سرافکندگی از مرزها بیرون کرد. این، توصیف جنگ در طول هشت سال؛ خلاصه‌اش این است. حالا [اینکه] عامل اصلی در این پیشرفت و در این پیروزی چه بود، اینها دیگر حرفهایی است که در اختیار شماها هست و میدانید؛ ایمان، مجاهدت و عواملی مانند اینها.

امّا آن گزارش بعدی که گزارش تبیینی است، به نظر من مهم‌تر است. در گزارش تبیینی، ما میگوییم این جنگ فقط برای دفاع از خاک وطن نبود. البتّه دفاع از وطن یک ارزش است ــ در این تردیدی نیست ــ امّا مسئله‌ی این جنگ از این حرفها بالاتر بود؛ دفاع از اسلام بود، عمل کردن به دستور قرآن بود. این جنگ در مسیری قرار داشت که به آن مسیر، در تعبیرات دینی و ادبیّات دینی، گفته میشود «جهاد فی سبیل الله»؛ دفاع مقدّس، جهاد فی‌سبیل‌الله بود. دفاع مقدّس، انقلاب را زنده نگه داشت، اسلام را زنده نگه داشت، ملّت ایران را عزیز کرد، روح معنوی را در کشور ترویج کرد، جوهر واقعی انسانی و ایمانی را در جوانها زنده کرد؛ جوانهایی که رفتند در میدان جنگ، از یک آدم معمولی تبدیل شدند به یک ولیّ الهی؛ مردانی که با یک نگاه ساده و معمولی به مسائل دینی وارد میدان جنگ شدند، مثل یک عارف الهی و معنوی از میدان جنگ بیرون آمدند. امام بزرگوار ما یک عارف بزرگ بود، یک انسان والا بود؛ ایشان خطاب به خیلی از بزرگان، به طور عام، گفت هفتاد سال عبادت کردید، خدا قبول کند از شما، بروید یک مقدار هم وصیّت‌نامه‌ی شهدا را بخوانید! یعنی این جوانی که وارد جبهه شده و مدّتی در جبهه جهاد کرده و جان خودش را کف دستش گرفته و برای خدا حرکت کرده، راه هفتادساله‌ی آن مرد عارف عالِم ملّا را در مدّت کوتاهی طی کرده؛ مضمون حرف امام این است.

این، باطن دوران جنگ ما است. هدف، اسلام بود؛ لذا سرتاسر جبهه عبادتگاه بود. همه‌جور آدمی هم در این حرفِ کلّیِ «عبادتگاه کردن میدان جنگ» شرکت داشتند. نصفه‌شب رفته بودیم از منطقه بازدید میکردیم، من دیدم یک افسر ارتشی یا درجه‌دار ارتش، کنار تانک ایستاده بود و نماز شب میخواند! از نماز شب یک ارتشی مثلاً در کنار گردان تانکش، تا مجلس توسّل پُرروح پُرشور بچّه‌های سپاه و بسیج در قرارگاه‌هایشان، آنجاهایی که حضور داشتند، تا التماس یک افسر ارتشی برای رفتن در گروه‌های جهادی شبانه‌ی شهید چمران. همان روزهای اوّل [جنگ]، ما تازه رفته بودیم اهواز، یک شب یک افسری آمد پیش من ــ سرهنگ‌دوّم بود یا سرگرد بود؛ یادم نیست ــ گفت من یک درخواستی دارم؛ من اوّل خیال کردم ایشان میخواهد درخواست کند که مثلاً در شهرم گرفتاری دارم، به من مرخصی نمیدهند؛ اوّل این‌جوری خیال کردم؛ بعد، به من گفت درخواست من این است شبها که شهید چمران با یک گروهی میروند شکار تانک ــ به تعبیر خودشان ــ اجازه بدهند من هم جزو این گروه بروم؛ یعنی یک مرد مثلاً حدود چهل‌وچندساله، پنجاه‌ساله التماس میکند که اجازه بدهید که با این جوانها، دُوروبَر چمران شبانه بروند با آرپی‌جی مثلاً فرض کنید تانک بزنند؛ این را بگذارید در کنار آن نوجوانی که سنّش را در شناسنامه زیاد میکند، برای اینکه بتواند برود جبهه؛ یا گریه میکند، التماس میکند به پدرش یا مادرش که اجازه بدهند، امضا بدهند که او برود جبهه؛ اینها را ما داشتیم. نمازهای با خشوع، گریه‌های نیمه‌شب، خدمات بی‌ریا؛ یا فرماندهی که نصفه‌شب بلند میشود می‌آید کفش رزمنده‌های خودش را واکس میزند، لباسهایشان را میشوید؛ در هیچ ارتشی در دنیا، در هیچ میدان جنگی این چیزها وجود ندارد؛ این مخصوص جمهوری اسلامی است. در لحظات آخر زندگی، آب را نمی‌خورد برای اینکه رفیق تشنه‌اش با تشنگی شهید نشود؛ آب را به او حواله میدهد و خودش تشنه شهید میشود. اینهایی که در تاریخ خواندیم، در این جنگ از نزدیک یا دیدیم یا از کسانی که دیده بودند شنیدیم.

در زیر گلوله‌باران دشمن، جوانی [که بعد] شهید [شد] وصیّت‌نامه مینویسد، در وصیّت‌نامه درباره‌ی حجاب سفارش میکند؛ یعنی معنویّت و تشرّع و دلبستگی به حکم اسلامی و ایمان اسلامی در این حد است. به نظر من، این گزارش از جنگ، این نگاه به جنگ مهم‌تر از آن گزارش توصیفی است. اینجا است که خدای متعال قدرت خودش را در پیروزی بندگان صالح خودش نشان میدهد؛ اینجا است که معلوم میشود که اراده‌ی الهی برای بندگان صالح «اِنَّ الاَرضَ لِلّه یورِثُها مَن یَشاءُ مِن عِبادِه»(۳) است؛ بندگانِ صالحِ خدا مورد حمایت الهیِ قرار میگیرند. سختی میکشند ــ در دفاع هشت‌ساله ملّت ایران خیلی سختی کشیدند؛ جوانها، خانواده‌ها، پدرها، مادرها، همسرها سختی کشیدند ــ امّا خدای متعال به دنبال این سختی‌ها عزّت داد، پیروزی داد، نصرت داد.

خب این دو نوع گزارش هر دو باید ثبت بشود، ضبط بشود. یک عدّه‌ای اینها را میدانند، دیده‌اند، خبر دارند، بیان کنند؛ یک عدّه‌ای هم اینها را تبدیل کنند به محصولات جذّاب که البتّه مقداری این کارها انجام گرفته. من سال گذشته گفتم آن مقداری که انجام گرفته باید صد برابر بشود؛(۴) واقعش هم همین است؛ ما در این زمینه‌ها کم‌کار هستیم. در همان دوران انقلاب، در همان دوران جنگ اگر ما امکانات تبلیغی داشتیم، پیشرفتهای کشور خیلی بیشتر از این چیزی که انجام گرفت، انجام میگرفت. ما امکانات تبلیغی محدودی داشتیم؛ بعکس، دشمن امکانات تبلیغی نامحدودی داشت؛ امروز هم تقریباً همین‌جور است. امروز هم ما هر چه میتوانیم بایستی امکانات را بیشتر کنیم. خب این مربوط به دفاع مقدّس.

امروز یک واقعه‌ی مشابهی در لبنان و فلسطین در حال انجام است. این حوادث لبنان و فلسطین هم مثل حوادث جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس ما است؛ این هم جهاد فی‌سبیل‌الله است. یک کشور اسلامی، یعنی فلسطین، به وسیله‌ی خبیث‌ترین کفّار عالم غصب شده؛ حکم قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمانها، به صاحبان اصلی‌اش برگردانند؛ مسجدالاقصی را برگردانند. اینجا یک حرکت الهی دارد انجام میگیرد؛ مردم فلسطین و غزّه که دارند به معنای واقعی کلمه مجاهدت میکنند، در واقع دارند جهاد فی‌سبیل‌الله میکنند. آن کسانی که به اینها کمک میکنند، کمک به جهاد فی‌سبیل‌الله میکنند؛ حزب‌الله لبنان که به خاطر غزّه سینه‌ی خودش را سپر میکند و در معرض این حوادث تلخ قرار میگیرد، دارد جهاد فی‌سبیل‌الله میکند. در این نبرد هم دشمن کافر و خبیث از بیشترین تجهیزات برخوردار است؛ آمریکا پشت سرش است. آمریکایی‌ها میگویند ما دخالتی نداریم، خبر نداریم؛ خلاف واقع میگویند؛ هم خبر دارند، هم دخالت دارند، هم به پیروزی رژیم صهیونیستی احتیاج دارند. همین دولت کنونی آمریکا، برای انتخاباتی که در پیش دارند، احتیاج دارد که نشان بدهد که از رژیم صهیونیستی حمایت کرده و آن را پیروز کرده. البتّه به آراء مسلمانهای آمریکا هم احتیاج دارند، لذا تظاهر میکنند که دخالتی ندارند.

قالیباف: برنامه هفتم را به دور از حواشی اجرا کنیم

رئیس مجلس گفت: طبق فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب، موفقیت دولت موفقیت همه‌ی ماست و رئیس‌جمهور هم تأکید دارد که برنامه هفتم میثاق ماست؛ باید دست‌به‌دست هم دهیم و به دور از حواشی، به اجرای این برنامه بپردازیم.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی صبح امروز در سی و ششمین گردهمایی فرماندهان دفاع مقدس با محوریت گردان‌های مهندسی رزمی گفت: خداوند بزرگ را شاکرم که این توفیق نصیب من شد که در ایام گرامیداشت دفاع مقدس برای بزرگداشت ذکر و نام شهدا گرد هم جمع شده‌ایم و برای من افتخار است که در جمع شما پیشکسوتان جهادگر و سنگرسازان بی سنگر و خدوم حضور دارم.

رئیس قوه مقننه ادامه داد: امروز مصادف با شکست حصر آبادان است، همه شهدا به ویژه شهدای این عملیات که نقطه عطفی در دوران دفاع مقدس بوده‌اند را یاد می‌کنیم. باید یادمان باشد تا وقتی که زنده‌ایم از تجربیات، باورها و سنت‌های الهی استفاده کنیم و آنها را به کار بگیریم و بدانیم هر کجا دچار چالشی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستیم دلیل آن بی‌توجهی به گلوگاه‌ها و نقطه‌های عطف دوران دفاع مقدس است.

وی ادامه داد: ۵ مهرماه سال ۱۳۶۰ با فرمان امام خمینی(ره) محاصره آبادان شکسته شد، قصه آبادان از ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ تا ۵ مهر سال ۱۳۶۰ حاکی از یک حرف، نگاه، گفتمان و باور است، امام خمینی(ره) پس از ریاست جمهوری بنی‌صدر و آغاز جنگ، فرماندهی کل‌قوا را به او واگذار کرد، تا ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و کمتر از یک سال تفکر بنی‌صدر و باورهای او بر مسائل کردستان و سایر حوزه‌های دفاع مقدس مستولی شد، رزمنده ها همان رزمنده‌ها بودند اما وقتی می‌خواستیم عنصر موثری در دفاع مقدس شویم دلایلی از جمله اینکه راه ندارید، آموزش ندیده‌اید و ۱۰ها دلیل به ظاهر درست دیگر مطرح می‌کردند اما اگر بخواهیم یک افسر توپخانه یا افسر زرهی و یا مهندسی تربیت کنیم در آن شرایط باید ۴ سال آموزش ببینیم و شاید هم مشخص نباشد که با آن آموزش‌ها می‌توان جنگید یا خیر؟ با آن حرف‌ها اجازه ندادند بسیج و جهاد سازندگی به جنگ بیایند و می‌گفتند باید زمین بدهیم و زمان بخریم این استراتژی آن زمان بود و یک عملیات موفق نداشتیم مگر جایی که مردم مانند خرمشهر ایستادند و مقاومت کردند.

قالیباف با اشاره به اینکه اگر عملیاتی با تفکر بنی‌صدر انجام شد نتیجه آن هویزه و حوادث آن سال‌ها بود، ادامه داد: با تصمیم مجلس و عزل بنی صدر ۳ ماه بعد حصر آبادان شکست، با همان رزمنده‌ها، مبانی و سنت‌های الهی را باور کردیم و به نصر من الله و فتح القریب ایمان داشتیم، خدا نیز ما را یاری کرد. همان کسانی که به ظاهر آموزش ندیده بودند در میدان جنگ آموزش‌های ۴ ساله را حداکثر در ۴ ماه دیدند و با بهترین علم و عمل تبدیل به بهترین افسران زرهی شدند، در حالی که تانک را از دشمن غنیمت گرفته‌اند و تعمیرات و نگهداری آن را آموختند، سلاح و مهمات را از دشمن گرفتند، جنگیدند و پیروز شدند. این فرهنگ مقاومت در دفاع مقدس ما را پیروز کرد؛ این فرهنگ سنی و شیعه نمی شناخت.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به عملیات طوفان الاقصی گفت: امام خمینی(ره) در زمانی که هنوز در ابتدای راه انقلاب اسلامی بودیم و پیروزی در سال ۱۳۵۷ رخ داد فرمودند همه مشکلات ما از رژیم نامشروع و منحوس صهیونیستی و آمریکا است و در جایی دیگر فرمودند با این رژیم پهلوی اگر مبارزه می‌کنیم به خاطر این است که واسطه و دست نشانده آن‌ها هستند و فلسطین موضوع اول جهان اسلام است.

وی عنوان کرد: در روزهای ابتدایی عملیات طوفان الاقصی وزیر خارجه آمریکا می‌گفت اگر اسرائیل وجود نداشت امروز باید یک اسرائیل ایجاد می‌کردیم. رزمندگان مقاومت در غزه با جمعیت محدود و اندک عملیات خود را انجام دادند و ارتش تا بن‌دندان مسلحی که ارتش‌های متحد کشورهای عربی در دهه ۶۰ نتوانستند با او مقابله کنند را شکست دادند. با فرهنگی که پایه آن سنت‌های الهی است جنگیدند و خارج از تصور همه ما یک سال است که ایستادند و مقاومت کردند، پایه آن از دوران دفاع مقدس بنا شده و اگر امام خمینی(ره) فرمودند راه قدس از کربلا می‌گذرد حاکی از زنده نگه داشتن این فرهنگ است. قالیباف عنوان کرد: خیلی از شهدای ما روزهای سخت را دیدند اما این موفقیت‌ها را ندیدند و پس از پذیرش آتش‌بس، خیلی زخم‌زبان‌ها خوردیم که نه صدام رفت و نه از راه کربلا به قدس رسیدید! اما امروز می‌بینیم که دشمن صهیونیستی با همراهی داعش حمله کرد و در ۴۰ کیلومتری مرز ما حضور فیزیکی پیدا کرد و شهید سلیمانی با آن‌ها مبارزه کرد و امروز رزمندگان مقاومت براساس همان فرهنگی که انقلاب اسلامی پایه گذاشت امروز در نقطهٔ صفر مرزی رژیم صهیونیستی با یک ارتش تابن‌دندان‌مسلح مبارزه می‌کنند. وی با اشاره به اینکه همه ما زمانی که انقلاب اسلامی پیروز شد، نظامی شدن بسیج و سنگرسازی جهاد در جنگ را تصور نمی‌کردیم، افزود: همه ما جزو آنهایی بودیم که با نیروهای جهاد به روستاها می‌رفتیم تا تحول، محرومیت‌زدایی و رشد اقتصادی ایجاد کنیم. می‌دانستیم که باید برای رشد و پیشرفت حرکت کنیم.

امضای توافق آتش‌بس توسط نخست‌وزیر لبنان تکذیب شد

دفتر نخست وزیری لبنان در بیانیه‌ای، اخبار منتشرشده در برخی رسانه‌ها مبنی بر امضای توافق آتش‌بس با دشمن صهیونیستی توسط نجیب میقاتی بعد از دیدار با مقامات آمریکایی را تکذیب و اعلام کرد که در وهله نخست اسرائیل باید به قطعنامه‌های بین‌المللی پایبند شود.

در حالی که در نشست اخیر شورای امنیت درباره لبنان، پیشنهاداتی برای برقراری آتش بس در